

بررسی تحلیلی - تطبیقی

ائتلاف‌سازی امریکا پس از جنگ سرد

مهدی جاودانی مقدم*

تاریخ دریافت ۸۶/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش ۸۷/۳/۴

راهبرد تازه امریکا پس از جنگ سرد ائتلاف‌سازی است که، به دلیل تغییر ماهیت نظام بین‌الملل، جایگزین دیگر راهبردهای سیاست خارجی امریکا شده است. امریکا با این راهبرد می‌کوشد تا با همکاری دولت‌های دیگر، که معمولاً نقشی فرعی در اجرای سیاست خارجی آن کشور دارند، مشروعیت و مقبولیت اقدامات یکجانبه خود را توجیه کند. از این رو، ائتلاف‌سازی در سیاست خارجی امریکا جایگزین مجوز شورای امنیت در مشروعیت‌بخشی به توسل به زور علیه دیگر کشورها شده است. این راهبرد تاکنون در سه جنگ امریکا با عراق (۱۹۹۰)، با افغانستان (۲۰۰۱) و با عراق (۲۰۰۳) به کار گرفته شده است. امریکا در این سه ائتلاف کوشیده است با استفاده از تحولات نظام بین‌الملل ابتدا از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد مجوز حمله به این کشورها را به دست آورد و سپس، در قالب ائتلاف و حضور کشورهای متعدد در آن، تهاجم نظامی به کشورهای مخالف نظم امریکایی را رهبری کند. با وجود این، این سه ائتلاف به لحاظ صوری و ماهوی کاملاً با یکدیگر متفاوت‌اند و همین مسئله محور این مقاله است. از این رو، در این مقاله به بررسی تحلیلی - تطبیقی راهبرد ائتلاف‌سازی امریکا پس از جنگ سرد می‌پردازیم و ماهیت ائتلاف احتمالی علیه ایران را ارزیابی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: ائتلاف؛ ائتلاف‌سازی؛ ائتلاف اراده‌ها؛ اتحاد؛ ائتلاف

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم؛

E-mail: javdani2020@gmail.com

مقدمه

فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد مهم‌ترین نقطه عطف تاریخ روابط بین‌الملل معاصر تلقی می‌شود. این فروپاشی نظام بین‌الملل را تغییر داد و دوره جدیدی را در مناسبات سیاسی بین دولت‌ها — به‌ویژه در تعاملات امریکا و دیگر بازیگران عرصه سیاست بین‌الملل — پیش آورد و بستر تحول راهبرد امنیت ملی و سیاست خارجی امریکا و تلقی آن از نظم، امنیت، نظام بین‌الملل، و جایگاه ایالات متحده در نظم تازه جهانی را فراهم ساخت. از این رو، پس از پایان جنگ سرد، رویکردها و عملکرد امریکا در نبود رقیب استراتژیک دیرینش، بر اساس نگرش لیبرال و خوش‌بینانه دنیای پس از جنگ سرد، تغییر ماهیت داده است. این تغییر ماهیت تغییر جهت‌گیری کلان سیاست خارجی ایالات متحده و، بالتبع راهبردهای سیاسی آن در سیاست بین‌المللی، را پیش آورده است. در این میان، ائتلاف‌سازی^۱ یکی از مهم‌ترین نتایج تغییر نظام بین‌الملل و تلاش امریکا برای ساخت نظم تازه جهانی محسوب می‌شود. این راهبرد برای مشروعیت‌بخشی به اقدامات امریکا و استفاده از قدرت نرم این کشور، هماهنگ با قدرت سخت آن، صورت گرفته است، بنابراین، در واقع، تشکیل ائتلاف‌های نظامی پس از جنگ سرد به رهبری امریکا — و همیاری دیگر قدرت‌های بزرگ با آن — به معنای تأیید استقرار نظم مطلوب امریکا پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی است. از سوی دیگر، حادثه یازدهم سپتامبر و تحولات سیاست جهانی پس از آن و زمینه‌سازی تغییر نظام بین‌الملل به نظام سلسله‌مراتبی سبب تشدید توسل به ائتلاف‌سازی در جهت‌گیری سیاست خارجی امریکا شد. این راهبرد (با حضور بسیاری از دولت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای و حمایت قدرت‌های بزرگ از ائتلاف نظامی در حمله به افغانستان) با مقاومت بسیاری از قدرت‌های بزرگ و شرکت نکردن آنان در «ائتلاف اراده‌ها»^۲ در جنگ عراق متحول شد و با ناکام ماندن آرزوی امریکا در استقرار

1. coalition building
2. coalition of willings

ثبات و امنیت در عراق همچنین افزایش نارضایتی از حضور نظامیان خارجی در این کشور و، پس از آن، خروج بسیاری از نظامیان فرامنطقه‌ای از عراق مقدمه شکست این راهبرد و تحول در نظام بین‌الملل فراهم آمده است. اهمیت این تغییر و ضرورت بررسی راهبرد ائتلاف‌سازی و احتمال تشکیل چنین ائتلافی علیه نظام جمهوری اسلامی ایران محور اصلی این مقاله است. از این رو، در این مقاله، پس از بررسی رویکرد نظری راهبرد ائتلاف و اتحاد در نظام بین‌الملل و پیشینه تاریخی آن، به مقایسه تطبیقی ائتلاف‌سازی امریکا پس از جنگ سرد می‌پردازیم و — با ارزیابی «ائتلاف اراده‌ها» در جنگ عراق و علل و انگیزه‌ها، موقعیت، نتایج، و وضعیت نیروهای ائتلاف — درس‌های سیاست خارجی ایران از این ائتلاف یا ائتلاف احتمالی علیه ایران را تبیین و در نهایت راهبردهای تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را بررسی می‌کنیم.

۱ رویکرد نظری ائتلاف‌سازی در روابط بین‌الملل

به طور کلی، دولت‌ها با توجه به نیازهای داخلی، موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیکی، یا تحت تأثیر ساختار و عملکرد نظام بین‌الملل جهت‌گیری‌ها و راهبردهای خاصی را به منظور تأمین هدف‌ها و منافع ملی خویش در سیاست خارجی خود اختیار می‌کنند. مهم‌ترین این راهبردها عبارت‌اند از: بی‌طرفی، انزوای طلبی، اتحاد و ائتلاف، و عدم تعهد. در این میان، راهبردهای ائتلاف‌های سیاسی و اتحادهای نظامی را حکومت‌هایی اختیار می‌کنند که معتقدند با تجهیز توانایی‌های خود به تنهایی نمی‌توانند به هدف‌هایشان دست یابند، از منافع خود دفاع کنند، یا از تهدیدات احتمالی جلوگیری کنند (هالستی، ۱۳۸۰، ص ۱۸۰). از این رو، آنان با دولت‌های دیگری که با مسائل خارجی مشابهی دست به‌گریبان‌اند (یا در اهداف اتحاد و ائتلاف سهیم‌اند) مشارکت می‌کنند و تعهدات متقابلی را می‌پذیرند. از سوی دیگر، راهبرد ائتلاف (برخلاف راهبرد اتحاد) محصول نظام بین‌الملل هژمونیک^۱ است که در انواع دیگر

۱. نوعی نظام بین‌المللی که در آن اعضایش سلسله‌مراتب و برتری قدرت برتر را پذیرفته‌اند.

نظام بین‌الملل عموماً صادق نیست. در واقع، ائتلاف — برخلاف اتحاد که دارای سه عنصر مهم رسمی بودن تعهد، محوریت رویکردهای نظامی-امنیتی، و شمول و استمرار است — صرفاً به توافق دو یا چند طرف در حمایت از یکدیگر به منظور پیشبرد منافع متقابل (حتی با ماهیت متفاوت) در بازه زمانی محدودی اطلاق می‌شود.

راهبرد ائتلاف در روابط بین‌الملل پدیده‌ای جدید محسوب می‌شود و از اوایل دهه ۱۹۹۰ به اقدام مشترک کشورها — معمولاً در چارچوب مجوز شورای امنیت — علیه کشور (یا کشورهایی) اطلاق می‌شود. این راهبرد در جنگ‌های عراق (۱۹۹۰)، افغانستان (۲۰۰۱)، و عراق (۲۰۰۳) به کار گرفته شده است. در واقع، ائتلاف محصول دوران تغییر نظام بین‌الملل از وضعیت دوقطبی دوران جنگ سرد است که اواخر قرن بیستم و ابتدای قرن بیست و یکم بر اساس سه رویکرد متفاوت به جهان پس از جنگ سرد به وجود آمده است. در زیر به این سه دیدگاه متفاوت می‌پردازیم.

۱-۱ نظریه پردازان لیبرال خوش بین

از منظر این نظریه پردازان، جهان در هزاره جدید در آستانه تحول عظیمی قرار گرفته و توان و استعداد این تحول در جهان کنونی آینده‌ای متفاوت و بهتر را رقم خواهد زد. بر این اساس، نظریه پردازانی (همچون فرانسیس فوکویاما^۱ با طرح «پایان تاریخ») پیروزی لیبرال دموکراسی، صلح فراگیر دموکراتیک، و نقش سازمان‌های فراملی و جهانی را بستر تحول نظام بین‌الملل می‌دانند (بیلیس و اسمیت، ۱۳۸۱، ص ۲۵۵۰).

۱-۲ رئالیست‌های مهاجم

به نظر رئالیست‌های مهاجم، برخلاف تصور دنیای صلح‌آمیز و شکوفاتر در آینده به رهبری لیبرال دموکراسی، چشم‌انداز نظام بین‌الملل در حال شکل‌گیری تیره و تار و همراه

هرج و مرج و منازعه، فروپاشی، و تجزیه است. بر این اساس، هنگامی که پایان جنگ سرد در سراسر امریکا پیروزی بزرگی برای امریکا محسوب شد، جان مرشایمر^۱ نظریه پرداز آن را پیروزی ساده لوحانه لیبرال دموکراسی به رهبری امریکا خواند و با آن مخالفت کرد. او معتقد بود که فروپاشی نظام دوقطبی، که به صلحی طولانی در جهان منجر شده بود، اسباب بی ثباتی و مشکلات جدیدی را فراهم آورده است که تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی خطرناک‌ترین آنهاست (... Realism bifurcated). در این میان، نظریه پردازان دیگری مانند ساموئل هانتینگتن برخورد تمدن‌ها و تعارض آشتی‌ناپذیر فرهنگ‌ها را کشمکش ذاتی لیبرال دموکراسی و تمدن‌های جهانی دانست و نسبت به آن هشدار داد و راهکارهایی را برای حفظ قدرت هژمونیک غرب طراحی کرد (Huntington, 1999, p. 56).

۳-۱ نظریه‌پردازان انتقادی

در نظر این نظریه‌پردازان، نظام بین‌الملل بعد از سال ۱۹۸۹ اگرچه در بیرون خود تغییر کرده، هنوز در درون خود چندان تغییر نکرده است و هنوز دولت‌های قدرتمند سلطه هژمونیک و تعاملات توسعه‌طلبانه و امپریالیستی خود را حفظ کرده‌اند. در این میان، امریکا نه تنها رهبر خیرخواه نظام بین‌الملل نیست، بلکه با عنوان‌های جدیدی مانند مداخلات بشردوستانه به دنبال اهداف امپریالیستی و توسعه‌طلبانه‌اش بر اساس ایدئولوژی‌ای جدید است. این رویکرد بر اساس توسعه نظریات اندیشمندی مانند نوام چامسکی^۲ و رابرت کاکس^۳ طرح شده است.

استراتژی ائتلاف‌سازی امریکا پس از جنگ سرد بازتابی از این سه نظریه است. در واقع فروپاشی شوروی و پایان نظام دوقطبی و پیروزی امریکا در جنگ سرد رویکرد نظریه‌پردازان لیبرال در امریکا و تقویت پندار جهان تک‌قطبی و هژمونیک به رهبری امریکا

1. John Mearsheimer
2. Noam Chomsky
3. Robert Cox

را تقویت کرد. از این رو، پس از حمله عراق به کویت در سال ۱۹۹۰، بوش پدر (رئیس‌جمهور وقت ایالات متحده) رسماً تشکیل ائتلافی را به رهبری امریکا به منظور استقرار نظم نوین جهانی اعلام کرد. ظهور این ائتلاف، در واقع، به معنای پذیرش جایگاه هژمونیک امریکا در نظم نوین جهانی بود. اما از سوی دیگر، با تحولات بعدی در نظام بین‌الملل مانند فروپاشی شوروی و بحران کوزوو و چالش‌های امنیتی دیگر (که اوج آن در حادثه یازدهم سپتامبر به وقوع پیوست) رویکرد رئالیست‌های مهاجم در سیاست امریکا غالب شد. بر این اساس، نظام بین‌الملل (که با رویکرد خوش‌بینانه لیبرالی در قالب پیروزی قطعی لیبرال دموکراسی به رهبری امریکا پس از جنگ سرد تعریف شده بود) تحت تأثیر افکار نئومحافظه‌کاران دولت امریکا به بررسی فراخوانده شد و بستر تشکیل ائتلافی برای مقابله با تعارضات و مبارزات تازه بین‌المللی به رهبری امریکا را به وجود آورد و، بدین ترتیب، ائتلاف مبارزه با تروریسم و جنگ افغانستان تشکیل شد. در واقع حادثه یازدهم سپتامبر زمینه تغییر نظام بین‌الملل از نظام هژمونیک به تک‌قطبی یک‌جانبه‌گرا به رهبری امریکا را به وجود آورد و، بر این اساس علی‌رغم مشروع نبودن مجوز جنگ اخیر در خلیج فارس، ائتلافی به رهبری امریکا برای حمله به عراق با وجود مخالفت قدرت‌های بزرگ و سازمان ملل متحد به وجود آمد. خلاصه و با توجه به آنچه گفتیم، می‌توانیم استراتژی ائتلاف‌سازی را در قالب‌های زیر تبیین کنیم:

- استراتژی ائتلاف محصول تغییر نظام بین‌الملل و ظهور نظام هژمونیک یا تک‌قطبی است.
- ماهیت و علل ظهور ائتلاف‌های امریکا پس از جنگ سرد متفاوت بوده‌اند و خاستگاه نظری متفاوتی دارند.
- حادثه یازدهم سپتامبر با تقویت نظام تک‌قطبی — که هدف مهم نئومحافظه‌کاران نیز محسوب می‌شود — سبب تغییر ماهوی ائتلاف‌سازی در مورد یک‌جانبه‌گرایی امریکا شده و بر این اساس ائتلاف‌سازی نه تنها به معنای پذیرش مشارکت دیگر قدرت‌های بزرگ یا قبول مشروعیت اقدامات امریکا با عنوان قدرت نرم سیاست‌های آن محسوب

نمی‌شود، بلکه فقط توجیهی برای ردّ ادعای یک‌جانبه‌گرایی امریکاست. از این رو، نقش امریکا در ائتلاف‌های نظامی بسیار ملموس‌تر شده و ائتلاف به اتحاد نامتقارن امریکا و انگلیس تبدیل شده است.^۱

• راهبرد ائتلاف‌سازی هرگز هدف سیاست خارجی امریکا نبوده و فقط ابزاری برای توجیه سیاست‌های اعمالی امریکا محسوب می‌شود. از این رو، اهداف و منافع کشورهای شرکت‌کننده در ائتلاف کاملاً متفاوت است و این خود زمینه‌فروپاشی و ناکامی ائتلاف را به وجود آورده است. بنابراین، درجهٔ انسجام ائتلاف بسیار ضعیف و گسستنی است.

• با توجه به هدف اصلی ائتلاف‌سازی در توجیه و مشروعیت‌بخشی به یک‌جانبه‌گرایی امریکا، می‌دانیم ایالات متحده نیروی عمده یا تنها دولت شرکت‌کنندهٔ اصلی در جنگ است و دولت‌های دیگر بدون حضور در جنگ، یا با مشارکت اندک، از مزایای ائتلاف برخوردار شده‌اند (سواری مجانی).^۲

۲ پیشینهٔ تاریخی ائتلاف‌سازی

چنانچه گفتیم راهبرد ائتلاف محصول پایان جنگ سرد و تلاش امریکا برای ایجاد و تثبیت قدرت هژمونیکش در نظام بین‌الملل بود. این سبب شد که امریکا پس از فروپاشی شوروی، با توجه به برتری مطلق نظامی و اقتصادی، بدون احساس نیاز به اتحاد با دیگر دولت‌های بزرگ و فقط در قالب ائتلاف‌سازی، به دنبال اهداف جهانی خود و بالتبع حفظ نظم و ثبات جهانی به محوریت امریکا باشد. از این رو، امریکا با حملهٔ عراق به کویت در سال ۱۹۹۰ با مشروعیت‌بخشی به اقدام نظامی علیه عراق از طریق قطعنامه‌های شورای امنیت به تشکیل ائتلافی متشکل از ۳۵ کشور جهان اقدام کرد و با آزادسازی کویت طرح نظم نوین جهانی به رهبری امریکا را اعلام کرد.

۱. در این اتحاد، از مجموع ۱۶۶ هزار نظامی امریکایی و انگلیسی، فقط ۵۵۰۰ نیروی انگلیسی (معادل ۳ درصد) حضور دارند.

۲. free rider. به دولتی اطلاق می‌شود که بدون حضور در جنگ یا با کمک محدود به ائتلاف از مزایای آن برخوردار شود.

در این ائتلاف، اگرچه تعداد نظامیان امریکایی بیش از نظامیان دیگر کشورها بود، حضور واقعی قدرت‌های مهم و بزرگ غربی و دولت‌های عربی منطقه کاملاً ملموس بود: انگلیس، فرانسه، کانادا، اسپانیا، و استرالیا نیروهای نظامی خود را برای جنگ فرستادند و از کشورهای منطقه خاور میانه نیز عربستان، ترکیه، مصر، کویت، امارات متحده عربی، قطر، عمان، و حتی سوریه سربازانی را برای ائتلاف گسیل کردند. علاوه بر این، آلمان و ژاپن نیز با حمایت مالی و سخت‌افزاری نظامی حضور فعال غیرمستقیمی در جنگ داشتند و هند نیز با استقرار ایستگاه‌های سوخت‌گیری مجدد در دریای عرب (جنوب پاکستان) عملاً به ائتلاف پیوست. بیشترین تعداد نظامیان شرکت‌کننده در ائتلاف از امریکا و سپس عربستان سعودی، ترکیه، انگلستان، مصر، سوریه، و فرانسه — هریک با بیش از پانزده هزار نیرو. دیگر کشورها نیز با اعزام نیرو یا حضور فعال در جنگ نقش مهمی در ائتلاف ایفا کردند. این جنگ با پیروزی نیروهای ائتلاف و با کمتر از ۲۱۵ کشته به پایان رسید ("Gulf War", <http://en.wikipedia.org> ...)

۲-۱ مهم‌ترین نکته‌های ائتلاف اول امریکا

برجسته‌ترین نکته‌های توجه برانگیز در ائتلاف امریکا علیه عراق را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف) ائتلاف مشروع و قانونی و با مجوز شورای امنیت سازمان ملل شکل گرفت.

ب) راهبرد ائتلاف، به سبب هماهنگی نسبی اهداف و منافع کشورهای عضو آن، انسجام بسیار محکمی داشت. در واقع، محور اصلی تشکیل ائتلاف به رهبری امریکا آزادسازی کویت و منافع آن برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای بود.

ج) ائتلاف نظامی علیه عراق، فراگیر، همه‌جانبه، و با حمایت واقعی بسیاری از قدرت‌های بزرگ و دولت‌های منطقه صورت گرفت. در واقع، به رغم آنکه ۵۰ تا ۷۰ درصد نیروهای درگیر در جنگ نظامیان امریکایی بودند، دیگر دولت‌های عضو ائتلاف با اعزام نیرو نقش مهمی در پیروزی ائتلاف ایفا کردند.

د) عربستان سعودی، ترکیه، مصر، و سوریه به ترتیب بیشترین تعداد نظامیان منطقه‌ای عضو ائتلاف بودند و انگلستان، فرانسه، کانادا، و اسپانیا نیز به ترتیب بیشترین نظامیان فرامنطقه‌ای ائتلاف را تشکیل می‌دادند.

ه) نظامیان ۲۵ کشور از ۳۵ کشور عضو ائتلاف در جنگ درگیر شدند، هر چند در بین آنان تعداد نظامیان ۹ کشور کمتر از ۱۰۰۰ بود (کمترین شمار نظامیان از آن هندوراس، با ۱۵۰ نظامی، بود).

و) بیشتر اعضای ائتلاف را کشورهای منطقه خاور میانه، کشورهای عربی و متحدان دیرین امریکا در اروپا و ناتو گسیل کرده بودند و، در این میان فقط آرژانتین، بنگلادش، چک و اسلواکی، یونان، کره جنوبی، هندوراس، و بلغارستان از این متحدان نبودند.

ز) جنگ عراق و ائتلاف‌سازی امریکا در این جنگ کمک بزرگی بود برای تثبیت هژمونی این کشور و تلاشش در استقرار نظم نوین جهانی با رویکردی لیبرالی و خوش‌بینانه.

ح) رژیم صهیونیستی در این جنگ - با توصیه و درخواست امریکا - در جنگ شرکت نکرد؛ اگر می‌کرد، ممکن بود برخی (یا همه) اعضای ائتلاف از جهان عرب از مداخله مستقیم و عضویت در ائتلاف خودداری کنند. اما رژیم صهیونیستی، علاوه بر آنکه پل ارتباطی غرب در منطقه بود، از لحاظ فنی - تجهیزاتی بیشترین کمک را به ائتلاف کردند (Bard, "The Gulf War", ...).

حادثه یازدهم سپتامبر سرآغاز دوره جدیدی در راهبرد ائتلاف‌سازی به رهبری امریکاست. این حادثه و فضای روانی ناشی از آن تشکیل ائتلاف مبارزه با تروریسم و عملیات آزادسازی افغانستان را در پی داشت. در واقع، در چارچوب نگرش نئومحافظه کارانه دولت امریکا، حادثه یازدهم سپتامبر سیاست خارجی امریکا و تلاش آن کشور در عملیاتی کردن نظم نوین جهانی و استقرار نظام تک‌قطبی امریکایی در جهان را فعال کرد. بدین ترتیب، در سال ۲۰۰۱، ائتلاف جنگ علیه افغانستان از ۴۶ کشور جهان تشکیل شد و حمله ائتلاف به افغانستان و شکست طالبان و القاعده گام اول در مبارزه با مخالفان نظم نوین جهانی با عنوان «محور شرارت» و «حامیان تروریسم جهانی» نام گرفت. بنابراین، حادثه

یازدهم سپتامبر و تشکیل ائتلاف مبارزه با تروریسم جهانی به معنای تغییر نگرش لیبرالی و خوش‌بینانه آمریکا در مورد جایگاه این کشور در نظام بین‌الملل به رویکردی رئالیستی در قبال وضعیت بی‌ثباتی و هرج‌ومرج در آینده و رسالت آمریکا در واکنش به آن بود. همگی اینها زمینه را برای تشکیل ائتلاف سوم و جنگ علیه عراق در سال ۲۰۰۳ به وجود آورد.

۲-۲ مهم‌ترین نکته‌های دومین ائتلاف جهانی

چشمگیرترین نکته‌ها در دومین ائتلاف جهانی به این شرح بود:

الف) ائتلاف‌سازی در این جنگ نیز - مانند ائتلاف پیشین در جنگ عراق - مشروع، قانونی، و با مجوز شورای امنیت سازمان ملل و البته تحت تأثیر فضای روانی- تبلیغاتی حادثه یازدهم سپتامبر بود.

ب) اگرچه تعداد نظامیان درگیر در این ائتلاف به مراتب کمتر از ائتلاف گذشته بود، در این ائتلاف نسبت نظامیان امریکایی و نظامیان دیگر کشورها تقریباً برابر بود و این احتمالاً متأثر از حادثه یازدهم سپتامبر بود.

ج) بسیاری از اعضای ائتلاف، در عمل، در این جنگ شرکت نکردند، یعنی حضور آنان محدود به مواردی از این دست بود: اجازه استفاده از فضا، بنادر، و ایستگاه‌های سوخت‌گیری مجدد یا حمایت‌های مادی و ارتباطی بود و فقط نظامیان کشورهای غربی مانند آمریکا، انگلیس، فرانسه، آلمان، کانادا، و استرالیا در جنگ شرکت کردند و چند کشور اروپایی دیگر نیز فقط چند هواپیمای نظامی یا گروه‌های تدارکاتی، پزشکی، و غیرنظامی در اختیار ائتلاف گذاشتند (Operation Enduring Freedom ...).

د) هیچ‌یک از کشورهای منطقه خاور میانه، به رغم عضویت بسیاری از آنان در ائتلاف، نظامیان خود را برای شرکت در جنگ اعزام نکرد و به اجازه استفاده از فضا و پایگاه‌های نظامی به نیروهای ائتلاف اکتفا کرد.

ه) در این ائتلاف از منطقه خلیج فارس فقط ایران، عربستان، و عراق در ائتلاف

شرکت نکردند و بیشتر کشورهای آسیای مرکزی عضو ائتلاف بودند. (و) حضور کشورهای اروپای شرقی در ائتلاف نسبت به گذشته افزایش یافت و کشورهای آلبانی، استونی، لتونی، لیتوانی، و رومانی در کنار چک (که در ائتلاف گذشته نیز حضور داشت) در ائتلاف شرکت کردند. علاوه بر این، از جنوب شرق آسیا نیز علاوه بر بنگلادش، کره جنوبی و ژاپن (که در ائتلاف گذشته حضور داشتند)، مالزی، فیلیپین، و تایلند هم به عضویت ائتلاف درآمدند.

(ز) تعداد نظامیان ائتلاف مستقر در افغانستان پس از پیروزی ائتلاف در جنگ از مرز پانزده هزار نظامی آغازین فراتر رفت به گونه‌ای که فقط ۲۳ هزار نیروی نظامی امریکایی به این کشور اعزام شدند. در واقع، به رغم خروج برخی از کشورها از افغانستان، انگیزه واقعی مبارزه با تروریسم و مشروع بودن جنگ بر اساس مصوبه شورای امنیت سبب شد بسیاری از کشورها که در صف نخست مدافعان ترک عراق بودند به مخالف جدی خروج از افغانستان تبدیل شوند؛ چنان که پرودی، نخست‌وزیر ایتالیا، با آنکه در نخستین تصمیم دولت خود نظامیان ایتالیایی را از عراق فراخواند، همچنان بر تقویت ارتش خود در افغانستان تأکید کرد (دعویسرا، ۱۳۸۵).

(ح) پیروزی اولیه و زودهنگام نیروهای ائتلاف در جنگ افغانستان کارآمدی راهبرد ائتلاف‌سازی را برای دولت ایالات متحده (که به دنبال آرمان‌های نئومحافظه کارانه در بسط قدرت هژمونیک خود در جهان است) اثبات کرد و بستر مناسبی را برای تأمین منافع امریکا در پرتو این راهبرد به وجود آورد. از این رو، پس از پیروزی در جنگ، مقدمات روانی تشکیل ائتلاف جدیدی با جنگ تبلیغاتی و روانی علیه عراق آغاز شد که نتیجه آن گردهمایی سومین ائتلاف به رهبری امریکا در سال ۲۰۰۳ در جنگ عراق بود.

(ط) رژیم صهیونیستی در این جنگ هم به صورت مستقیم وارد ائتلاف نشد و به کمک‌های فنی و مشاوره‌ای و حمایت‌های تسلیحاتی از ائتلاف اکتفا کرد و همواره هم این مشارکت را تکذیب کرد.

۳ ائتلاف اراده‌ها: نیروهای چندملیتی در عراق (۲۰۰۳)

پیروزی ائتلاف جنگ با تروریسم در افغانستان زمینه فرایند تشکیل ائتلاف جدیدی مانند ائتلاف گذشته را علیه عراق در راهبرد سیاست خارجی امریکا فراهم کرد. بر این اساس، پس از تشدید جنگ روانی علیه عراق و طرح اتهاماتی مانند تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای در این کشور، ارتباط آن با القاعده، کمک به تروریست‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، و ... ایالات متحده تلاش فراوانی برای کسب مجوز حمله به این کشور از طریق شورای امنیت کرد.

بوش، در نوامبر ۲۰۰۲، در نشست سران ناتو از ائتلاف کشورهاییی که اراده کرده‌اند تا حکومت صدام حسین را خلع سلاح کنند نام برد و از این رو این ائتلاف جدید به «ائتلاف اراده‌ها» مشهور شد. از سوی دیگر، امریکا همزمان با طرح ائتلاف‌سازی در شورای امنیت از همراهی ۴۰ کشور در این ائتلاف جدید نام برد ولی اسامی آنان را فاش نکرد. با وجود این، با شکست این طرح در شورای امنیت، امریکا (برخلاف ائتلاف‌های گذشته) خود به دنبال جمع‌آوری حمایت و همکاری دیگر کشورها در اقدام نظامی علیه عراق برآمد. در واقع، هدف اصلی امریکا از تشکیل این ائتلاف مشروعیت‌تراشی جنگ یکجانبه خود علیه عراق (بدون کسب مجوز قانونی از شورای امنیت) و نشان دادن حمایت چندجانبه و مشروع دیگر کشورها از این جنگ بود. بنابراین، پاول، وزیر خارجه امریکا در ۱۸ مارس ۲۰۰۳ نام ۳۰ کشور عضو ائتلاف را منتشر کرد و گفت ۱۵ کشور دیگر که نمی‌خواهند نامشان فاش شود حضور دارند. در ۲۰ مارس ۲۰۰۳ تعداد کشورهای عضو ائتلاف، با تغییراتی، به ۴۹ رسید (Pasicolan & Carrie, March 19, 2003). پس از آن، دولت امریکا نیز در ۲۱ مارس ۲۰۰۳ در سایه شعارهایی مانند مبارزه با تروریسم، برقراری صلح جهانی، اعطای دموکراسی و آزادی، و با عنوان ائتلاف اراده‌ها و فقط همراه نظامیان کشورهای انگلستان، استرالیا، لهستان، و دانمارک به عراق حمله کرد. این جنگ در اول ماه مه در ۲۰۰۳ با سقوط بغداد به پایان رسید.

۳-۱ مهم‌ترین نکته‌های ائتلاف اراده‌ها

نکته‌های روشن و برجسته ائتلاف اراده‌ها را به این شرح می‌توان برشمرد:

الف) این ائتلاف (برخلاف ائتلاف‌های گذشته) نامشروع، غیرقانونی، و بدون مجوز حمله شورای امنیت سازمان ملل شکل گرفت و فقط توجیهی برای مشروعیت بخشیدن به اقدام یکجانبه امریکا در حمله به عراق و همه‌جانبه و فراگیر دانستن آن و رد یک‌جانبه‌گرایی آن کشور در این جنگ بود.

ب) نام برخی از اعضای ائتلاف بدون اطلاع آنان در فهرست ائتلاف نوشته شده بود، چنان‌که بر اساس گزارش واشینگتن پست، مقامات عالی کلمبیا اطلاعی از عضویتشان در ائتلاف نداشتند (Balz & Allen, March 19, 2003). و دولت‌های مجارستان و هلند نیز به مردم خود اطمینان دادند که علی‌رغم اجازه آنان به حضورشان در این ائتلاف، در این اقدامات نظامی واقعاً و عملاً شرکت نخواهند کرد (Weisman, March 19, 2003). این ائتلاف از همان ابتدا از هم گسیخته و بی‌انسجام می‌نمود.

ج) علی‌رغم ادعای دولت امریکا که ۴۹ کشور در این ائتلاف (با مجموع جمعیتی در حدود ۱,۲۳ میلیارد نفر) حضور دارند و درآمد ناخالص ملی کل اعضای آن ۲۲ تریلیون دلار معادل ۶۰ درصد درآمد ناخالص جهانی است یا این ادعا که ائتلاف مجموعه‌ای از همه نژادها، مذاهب، و قومیت‌ها در جهان و شامل دولت‌هایی از همه قاره‌های جهان است (Operation Iraqi Freedom, 2003)، بافت واقعی این ائتلاف را می‌توان با توجه به نکات زیر تحلیل کرد:

- از بین کشورهای عضو ائتلاف، فقط نظامیان ۵ کشور امریکا، انگلیس، استرالیا، لهستان، و دانمارک در جنگ شرکت کردند که از میان آنان نیز نظامیان امریکا ۹۲ درصد نیروهای ائتلاف ($\frac{7}{8}$ آن) را تشکیل می‌دادند و اگر نظامیان انگلیسی را به آنان بیفزاییم، مجموع نظامیان امریکایی و انگلیسی در این ائتلاف به ۹۸ درصد می‌رسد.
- کشورهای عضو ائتلاف در مجموع ۲۰ درصد جمعیت جهان است و این رقم با

افزودن ۱۵ کشور دیگری که به نامشان اشاره نشده (و احتمالاً دولت‌های عربی خاور میانه‌اند) تغییر چندانی نمی‌کند. از سوی دیگر، ۲۶ کشور از اعضای ائتلاف جمعیتی کمتر از ۱۰ میلیون نفر دارند و نظرسنجی‌های مختلف در همه این کشورها حاکی از آن است که بیشتر مردم آنان مخالف جنگ‌اند (Anderson, March 24, 2003).

● در آمد ناخالص ملی ائتلاف بدون احتساب امریکا (۳۴ درصد) و ژاپن (۱۷ درصد) فقط ۱۷ درصد از درآمد ناخالص جهانی است. از این رو، آمار آنان فریبنده است (Lorenz, "The Coalition of Willings", ...).

● فقط ۴ کشور از اعضای پانزده‌گانه شورای امنیت در این ائتلاف شرکت داشتند (امریکا، انگلیس، اسپانیا، و بلغارستان) و امریکا در جلب نظر ۱۱ عضو دیگر شورای امنیت به پیوستن در ائتلاف ناکام ماند.

د) در ائتلاف اراده‌ها، علی‌رغم افزایش تعداد کشورهای عضو ائتلاف در مقایسه با گذشته، حضور کاذب کشورهای عضو کاملاً آشکار است، چنان‌که تعداد نظامیان ۴۰ کشور از ۴۹ کشور عضو ائتلاف که پس از اشغال به عراق آمدند کمتر از پانصد نفر بود (Anderson, *ibid.*).

ه) بیشتر اعضای ائتلاف از کشورهایی بودند که متحدان سنتی امریکا محسوب نمی‌شدند، یا در ائتلاف‌های گذشته نقش چندانی نداشتند — پانزده کشور از اروپای شرقی، هفت کشور از آفریقا، و نه کشور از امریکای لاتین حضور داشتند. انگیزه‌ها و منافع اینان از حضورشان در این ائتلاف گاه متفاوت و گاه متعارض بود و این مانع انسجام عملی ائتلاف شد. (و) هیچ یک از کشورهای منطقه خاور میانه مستقیم و علنی در ائتلاف شرکت نکرد و فقط رژیم صهیونیستی با کمک‌های فنی-تسلیحاتی پنهان در جنگ شرکت داشت و از سوی دیگر افغانستان نیز در رأس فهرست ائتلاف جای داشت.

۲-۳ وضعیت فعلی نیروهای ائتلاف در عراق

ائتلاف اراده‌ها با هدف آزادسازی عراق در سال ۲۰۰۳ به رهبری امریکا شکل گرفت، ولی

بر اثر ماهیت موقتی و غیررسمی بودن آن و انگیزه‌های متفاوت اعضایش و، علاوه بر آن، تحولات منطقه‌ای — به‌ویژه استمرار و تشدید معضلات امنیتی در عراق — با مرور زمان با مشکلات متعددی دست به‌گیریان شد. این مشکلات تا آنجا بالا گرفت که امروزه این ائتلاف عملاً از هم پاشیده است. بنابر راهبرد کلان امریکا، تاکتیک پس از سقوط رژیم بعث این بود که امریکا امنیت را در عراق حاکم کند و از آن به‌شکل ابزاری برای مداخلات جدید در خاور میانه در قالب مبارزه با تروریسم استفاده کند. اما با خروج نظامیان بسیاری از کشورها از ائتلاف و انتقاد ایشان از آن، این ائتلاف به اتحاد امریکا و انگلیس تبدیل شده است.

اولین و مهم‌ترین دلیل بی‌ثباتی و بی‌انسجامی ائتلاف اراده‌ها همانا انگیزه‌ها، اهداف، و منافع متفاوت اعضایش بود. در واقع، یکسان و هماهنگ نبودن اهداف اعضای ائتلاف از حضور در این جنگ از همان ابتدا پایه‌های ائتلاف سست بود و با ناکامی آن در دستیابی به اهداف ثانوی و تشدید هرج و مرج در عراق و افزایش مخالفت مردمی در این کشورها، ائتلاف به ضعف گرایید و عملاً از بین رفت. به عبارت دیگر، انگیزه‌ها و اهداف اعضای ائتلاف هرگز آزادسازی عراق و تأمین امنیت آن نبود و فقط تشویق‌های مالی یا منافع همکاری با امریکا در این جنگ آنان را به معرکه ائتلاف اراده‌ها کشانده بود. این علت اصلی بی‌انسجامی و ناپایداری ائتلاف شد، زیرا اعضای ائتلاف پس از دست یافتن به اهداف و انگیزه‌های خود و مطمئن شدن از نافرجام بودن هرگونه تلاش برای تأمین امنیت در عراق به تدریج از ائتلاف گسستند و ائتلاف عملاً از دست رفت. مهم‌ترین انگیزه‌های کشورهای عضو ائتلاف از حضور در ائتلاف اراده‌ها بدین شرح است:

۱. انگیزه‌های مادی: امریکا از طریق اعطای وام‌هایی مانند پیشنهاد وام ۸/۵ میلیارد دلاری به ترکیه مشروط بر آنکه ترکیه نیرو اعزام کند و با امریکا در عراق همراه شود یا از طریق اعطای قرارداد تجارت آزاد با برخی کشورها مانند سنگاپور، السالوادور، استرالیا، و کاستاریکا آنان را به حضور در ائتلاف تشویق و تحریض می‌کرد (Multinational forces in Iraq ...).

۲. تشویق‌ها و مزایای غیرمستقیم: وعده‌های امریکا برای حمایت از عضویت بسیاری از کشورهای اروپای شرقی در ناتو یا استمرار حمایت امنیتی از کشورهایی مانند ژاپن، کره جنوبی، و استرالیا علت پیوستن آنان به ائتلاف بود.

۳. تهدید منافع و اجبار: در این میان، برخی کشورها نیز از ترس مداخله «حمایتی» امریکا از رقبا یا دشمنانشان در ائتلاف شرکت کرده بودند، چنان‌که اریتره و اتیوپی هر دو در صدد جلب حمایت امریکا علیه دیگری بودند. همچنین دولت یونان، علی‌رغم مخالفت ۹۰ درصدی مردم آن کشور با جنگ، از ترس به رسمیت شناخته شدن منطقه فیرم به منزله بخشی از خاک مقدونیه^۱ (امریکا وعده آن را به مقدونیه به پاداش شرکت در ائتلاف داده بود) مجبور شد به عضویت ائتلاف درآید (Causidis).

۴. روابط خاص با امریکا: برخی از کشورها — مانند انگلیس، لهستان، اسپانیا، و هلند — در پی تقویت روابط ویژه خود با امریکا و گرفتن اجازه مشارکت در بازسازی عراق بودند. بنابراین، به طور کلی، ائتلاف اراده‌ها (علی‌رغم ادعای امریکا در مشارکت فعال بسیاری از کشورها) ترکیبی چهل‌تکه از منافع ناهمگون و ناموزون مالی، سیاسی، یا امنیتی اعضای آن بود. از سوی دیگر، تحولات سیاسی-امنیتی در عراق و ناکامی نظامیان ائتلاف در ایجاد ثبات و امنیت در این کشور و افزایش تلفات آنان (که موج وسیعی از مخالفت‌های گسترده مردمی را در کشورهای خودشان به وجود آورد) تزلزلی سیاسی در ائتلاف در انداخت. این وضع با ناکامی و شکست سیاسی برخی از دولت‌های مهم عضو ائتلاف مانند اسپانیا، ایتالیا، ژاپن، و مهم‌تر از همه امریکا و انگلیس به اوج رسید و دلیل خروج نظامیان آنان را فراهم آورد. در حال حاضر، فقط ۲۳ کشور در عراق نیرو دارند که در آن میان نیز امریکا با شانزده هزار و ششصد نیروی نظامی تنها کشوری است که بیش از ده هزار سرباز در عراق دارد و پس از آن نیز انگلیس، استرالیا، و کره جنوبی با کمتر از شش هزار سرباز بیشترین نیروی نظامی ائتلاف را در عراق تشکیل می‌دهند. علاوه بر این، ده کشور عضو ائتلاف نیز

۱. فیرم منطقه‌ای مرزی و مورد اختلاف یونان و مقدونیه است.

هم‌اکنون کمتر از ۱۰۰ سرباز در عراق دارند. این آمار و ارقام در کنار خروج روزافزون نظامیان بسیاری از کشورها از عراق از ابتدای سال ۲۰۰۴ حاکی است که ائتلاف در دستیابی به اهدافش در عراق ناکام مانده است.

بررسی وضعیت سیاسی داخلی بسیاری از اعضای اصلی ائتلاف نیز شکنندگی و ناپایداری آن را به وضوح آشکار می‌کند. شکست حزب حاکم راست‌گرای اسپانیا به رهبری خوزه ماریا آزنار^۱ در انتخابات این کشور به دلیل انفجارهای تروریستی در مادرید، درست سه روز قبل از برگزاری انتخابات، باعث شد اسپانیا — یکی از سرسخت‌ترین متحدان امریکا در جنگ عراق — از ائتلاف اراده‌ها کنار بکشد. انتقاد خوزه لوئیس ردیگز زاپاترو،^۲ نخست‌وزیر جدید، از حضور اسپانیا در جنگ و دستور او به خروج نیروهای نظامی این کشور از عراق در کوتاه‌ترین زمان ممکن اولین ضربه شدید و جدی به ائتلاف محسوب شد (Foley, Apr. 2004). در واقع خروج نظامیان اسپانیا فشار مضاعفی را بر دیگر متحدان مهم امریکا در ائتلاف — به‌ویژه تونی بلر و سیلویو برلوسکونی، نخست‌وزیران انگلیس و ایتالیا — وارد کرد و شکافی را بین اعضای ائتلاف در مورد مشروعیت و کارایی رویکرد آنان در عراق به وجود آورد.

از سوی دیگر، شکست حزب محافظه‌کار ایتالیا به رهبری برلوسکونی در برابر ائتلاف چپ‌گرایان به ریاست رومانو پرودی^۳ در انتخابات این کشور (علی‌رغم تلاش ناکام برلوسکونی مبنی بر فراخواندن ۳۰۰ سرباز ایتالیایی از عراق برای کسب محبوبیت از دست‌رفته خود در میان مردم این کشور) نیز به معنای کنار کشیدن یکی دیگر از متحدان درجه یک امریکا بود. پرودی شرکت در جنگ را اشتباه خواند دستور داد نظامیان ایتالیا سریع از عراق خارج شوند (Beehner, Feb. 22, 2007) و ضربه مهلک دیگری به مشروعیت و کارایی ائتلاف در رسیدن به اهدافش وارد آورد.

1. Maria Aznar
2. Jose Luis Rodriguez Zapatero
3. Romano Prodi

وضعیت انگلستان نیز با حضور این کشور در ائتلاف و استمرار بحران عراق رو به وخامت گذارد و علاوه بر استعفاهای متعدد وزرای دولت بلر، سیاست خارجی این کشور برای همکاری با دولت امریکا سرآغازی شد برای تزلزل جایگاه سیاسی بلر.

بدین ترتیب، با دوری انگلیس از اروپا و تضعیف پایگاه لندن در اتحادیه اروپا و گسترش انتقادات مخالفان به حضور انگلیس در جنگ عراق و سوء مدیریت دولت در این جنگ بلر مجبور شد زمان بندی خروج نظامیان انگلیس از عراق را اعلام کند. با تشدید دامنه بحران عراق و افزایش تلفات نظامیان انگلیسی به ۱۷۰ نفر در عراق، پایگاه اجتماعی و حزبی بلر کاملاً متزلزل و او مجبور به استعفا شد. خروج نظامیان انگلیسی از بصره اوج ناکامی و شکست ائتلاف و پایان دوران اروپای متحد با امریکا بود.

وضعیت شکننده و متزلزل دولت های اصلی عضو ائتلاف و خروج حامیان مهم امریکا از عراق فقط بخشی از واقعیت سیاسی-امنیتی بحران عراق را می نمایاند. در واقع، مهم ترین بُعد شکست ائتلاف اراده ها را می توان با بررسی وضعیت سیاسی-امنیتی امریکا شناخت. جنگ علیه عراق نه تنها مخالفت های مردمی و تغییر وزرای دولت بوش - مانند پاول، رامسفلد، یا تنت (رئیس سازمان سیا) - و انتقاد آشکار و گسترده نخبگان امریکایی (مانند کیسینجر و برژینسکی، چامسکی، و ...) را در پی داشت، بلکه راهبردهای کلان داخلی و خارجی جمهوری خواهان هم با شکست مواجه شد. با افزایش آمار تلفات نظامیان امریکایی به ۳۶۰۰ نفر و گسترش مخالفت مردمی و کاهش محبوبیت دولت بوش، پیامدهای جنگ عراق موضع دموکرات ها را در انتقاد از عملکرد سیاست خارجی جمهوری خواهان تقویت کرد و زمینه پیروزی آنان را در انتخابات میان دوره ای کنگره و احتمالاً در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۸ به وجود آورد.

پس از آن با تأکید نمایندگان امریکا برای طراحی خروج سریع نیروهای امریکا از عراق و ارائه جدول زمان بندی خروج از عراق و مشروط کردن تصویب بودجه به ارائه آن، دولت بوش عملاً در معرض شدیدترین فشارهای داخلی قرار گرفت. با استمرار هرج و مرج و بی ثباتی

در عراق، اختلاف نظر در بین ژنرال‌های امریکایی در مورد ادامهٔ جنگ افزایش یافته، و بدین ترتیب، جنگ عراق عملاً به تجربه‌ای فاجعه‌بارتر از جنگ ویتنام تبدیل شده است. از سوی دیگر، شکست امریکا در عراق سبب تغییر جایگاه امریکا در نظام منطقه‌ای خاور میانه و در سطح نظام بین‌الملل شده است. در واقع ناکامی امریکا در رهبری ائتلاف و دستیابی به اهداف آن موقعیت آن کشور در منطقه را تضعیف کرده و با وقوع تحولات سیاسی - امنیتی (مانند تقویت قدرت نرم ایران، قدرت‌یابی شیعیان در منطقه، پیروزی حزب‌الله لبنان بر رژیم صهیونیستی، تقویت محور سوریه - ایران، مذاکرات ایران و امریکا، استمرار فعالیت‌های هسته‌ای ایران) امریکا مجبور شده است راهبرد خاورمیانهٔ بزرگ را با خاورمیانهٔ جدید عوض کند. این راهبرد نیز با بن‌بست مواجه شد. این تحولات در خاور میانه، در مجموع، اقتدار منطقه‌ای امریکا را کاهش داد و ائتلاف در عراق را به ناکامی کشاند.

۴ درس‌های سیاست خارجی ایران از استراتژی ائتلاف‌سازی امریکا

ایران و امریکا همواره پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران دو قدرت منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در خاور میانه و دو رقیب استراتژیک در منطقه شمرده شده‌اند. بر این اساس، امریکا در معادلات سیاسی - امنیتی خود در خاور میانه به بازی دادوستد^۱ علیه منافع ملی ایران دست زده و با همکاری با بسیاری از دولت‌های منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای در صدد تضعیف موقعیت و جایگاه ایران، انزوای سیاسی - امنیتی آن، تغییر رفتار آن، و در صورت امکان تغییر رژیم جمهوری اسلامی ایران بوده است. پس از انقلاب اسلامی، سیاست خارجی منطقه‌ای امریکا در ادوار مختلف دیپلماسی خاور میانه‌ای آن حول این محور اساسی گردیده است. با وجود این، در خلال سال‌های ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۱ و در فضای جنگ سرد و ماهیت دوقطبی نظام بین‌الملل، علی‌رغم دشمنی فراگیر امریکا با انقلاب اسلامی و جنگ نیابتی و در مواردی

۱. (zero-sum-game) بازی برد- باخت که در آن با کسب امتیاز یک طرف، طرف دیگر همان امتیاز را از دست می‌دهد.

مستقیم با ایران، رقابت استراتژیک ایران و آمریکا در پرتو رقابت آمریکا و شوروی در نظام بین‌الملل به حاشیه رانده شده بود. با پایان جنگ سرد و سپس پایه‌گذاری راهبرد ائتلاف‌سازی در سال ۱۹۹۰ در حمله آمریکا به عراق و پس از آن فروپاشی شوروی و تلاش آمریکا در استقرار نظم نوین امریکایی، تقابل استراتژیک دو کشور ایران و آمریکا تشدید شد، اما این رقابت بر اثر سیاست خارجی واقع‌گرایانه و عملگرایانه ایران در آن دوره و تغییر رفتار دولت کلinton با ایران هرگز به مرحله تغییر رژیم ایران یا مواجهه مستقیم دو کشور نرسید. با پیروزی جریان نئومحافظه کار آمریکا، استقرار دولت بوش، وقوع حادثه یازدهم سپتامبر، ائتلاف‌سازی آمریکا برای مقابله با تروریسم (با هدف بسط قدرت هژمونیک این کشور و در امتداد آرمان‌های نئومحافظه کاران دولت بوش)، و سپس پیروزی اولیه سریع و موفقیت‌آمیز ائتلاف در اشغال افغانستان تقابل آشکار استراتژی دو کشور ایران و آمریکا در منطقه رخ نمود: بوش ایران را محور شرارت و رابط حیاتی تروریست‌ها در منطقه خواند یا تلاش کرد به جهان بقبولاند ایران در پی دستیابی به سلاح هسته‌ای است. پس از آن، تغییر رژیم در ایران محور دیپلماسی آمریکا شد.

آمریکا در حمله به عراق به دلیل اوضاع حاکم در این کشور توانست جامعه جهانی را قانع کند که به حمله پیش‌دستانه به این کشور دست بزنند و به همین سبب عراق گزینه بهتری از جمهوری اسلامی ایران برای هدف اولیه آمریکا در منطقه بود. البته آمریکا در حمله به عراق موفق نشد مجوز قانونی و مشروع حمله به این کشور را از شورای امنیت کسب کند و به این دلیل استراتژی ائتلاف‌سازی یک‌جانبه در دستور کار سیاست خارجی آمریکا قرار گرفت. بر این اساس، سومین ائتلاف آمریکا پس از جنگ سرد با اعلام اسامی سی کشور - که عملاً در جنگ نقشی حاشیه‌ای و بسیار ناچیز داشتند - تشکیل شد و جنگ با عراق در سال ۲۰۰۳ با محوریت اتحادیه آمریکا و انگلیس به وقوع پیوست. با پایان جنگ عراق و پیروزی اولیه نیروهای ائتلاف در این کشور و سقوط رژیم بعث، زمزمه‌های ائتلاف‌سازی جدید آمریکا علیه ایران در قالب جنگ روانی و تبلیغاتی آن هم با ادعاهایی

مانند «تلاش ایران در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای»، «مداخلات نظامی ایران در عراق»، «ارتباط ایران و القاعده»، «کمک ایران به تروریست‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای»، و «خطر تشکیل هلال شیعه در منطقه» آغاز شد. با تغییر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به سیاستی فعال و با محوریت حرکت از موضع مدعی در منطقه و در نظام بین‌الملل و ابتکارات تعاملات خارجی ایران (که به افزایش تقابل ایران و امریکا انجامید) این تقابل تشدید شد؛ با وجود این، تحولات سیاسی- امنیتی در خاور میانه، ناکامی نظامیان ائتلاف در استقرار ثبات و امنیت، وضعیت شکننده آنان در عراق (که با خروج متحدان اصلی امریکا از ائتلاف تشدید شد)، و فشارهای داخلی و خارجی بر دولت بوش عملاً امریکا را در بن‌بستی استراتژیک قرار داد و مانع تشکیل ائتلاف جدیدی علیه ایران شد.

از سوی دیگر، با افزایش قدرت نرم ایران در منطقه و بازی هوشمندانه هسته‌ای آن با آژانس و اعضای شورای امنیت، تاکنون راهبرد ائتلاف‌سازی امریکا در قبال ایران ناکام مانده است. البته، ناگفته نماند که این بدین معنا نیست که امکان ائتلاف‌سازی منطقه‌ای یا فرمانطقه‌ای دور از ذهن است، بلکه برعکس ایران باید خود را برای ائتلاف‌سازی امریکا و حمله احتمالی آن کشور آماده کند. از این رو، ایران باید از راهبردهای ائتلاف‌سازی سه‌گانه امریکا که تاکنون اجرا شده‌اند، درس‌های عملی پیشنهادی زیر را در سیاست خارجی خود لحاظ کند:

۱. پیشینه راهبرد ائتلاف‌سازی امریکا حاکی است اولین گام در تشکیل ائتلاف آغاز جنگ روانی و تبلیغاتی علیه دولتی است که ائتلاف برای مقابله با آن تشکیل می‌شود. نشانه‌های این جنگ روانی علیه ایران عبارت است از: بحران وانمود کردن مسئله هسته‌ای در ایران، مداخله ایران در عراق، حمایت از تروریست‌ها، و حتی تروریست خواندن سپاه پاسداران.
۲. امریکا همواره می‌کوشد ائتلاف را در ابتدا از طریق مشروع و قانونی و با واسطه شورای امنیت سازمان ملل بسازد تا از این طریق بتواند ائتلاف منسجم و یکپارچه‌ای را برای منافع خود در منطقه تشکیل دهد. اما اگر این راهبرد به جلب موافقت شورای امنیت سازمان

ملل نینجامد، آنگاه است که امریکا یک‌جانبه و با مشارکت غیررسمی و غیرواقعی کشورهای همسوی یا هم‌سود دست به عمل می‌زند. از این رو، جمهوری اسلامی باید توجه داشته باشد که موفقیت دیپلماسی هسته‌ای ایران در تعامل با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بن‌بست ناامیدکننده امریکا در پرونده‌سازی علیه ایران در شورای امنیت به هیچ وجه به معنای بسته شدن پرونده راهبرد ائتلاف علیه ایران نیست و ممکن است، با بهبود نسبی اوضاع امریکا در عراق، سناریوی ائتلاف‌سازی علیه ایران تکرار شود، توجه به این مسئله – به‌ویژه با انتشار اخباری مبنی بر تدوین طرح‌هایی مانند کیش و مات^۱ در پنتاگون برای حمله به ایران یا تشدید تهدیدات امریکا و اروپا علیه برنامه هسته‌ای ایران – اهمیت بسیاری دارد و توجه و تدبیر فراوانی می‌طلبد.

۳. جایگاه منطقه خاور میانه در استراتژی امنیت ملی امریکا و تحولات عمده سیاسی و امنیتی در آن سبب شده است که تاکنون ائتلاف‌سازی امریکا فقط علیه دولت‌های این منطقه به وجود آید و امریکا بدین طریق مخالفان سیاست‌های خود را (که تهدیدی علیه منافع امریکا در منطقه ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاور میانه‌اند) تضعیف می‌کند. به عبارت دیگر، این راهبرد در دیگر مناطق جهان (علی‌رغم دشمنی امریکا با دولت‌های دیگری مانند کره شمالی) به دلیل قرار گرفتن آنان در چارچوب تعاملات امنیتی – سیاسی قدرت‌های بزرگ محقق نشده و فقط در خاور میانه که اهمیت فوق‌العاده‌ای در سیاست خارجی امریکا دارد – و از قضا در خلأ حضور جدی دیگر قدرت‌های بزرگ – عملی شده است.

۴. تحلیل ائتلاف‌های گذشته آشکار می‌کند که گرچه دولت‌های منطقه ممکن است مستقیم و علنی در ائتلاف شرکت نکنند، در عمل حامی امریکا در منطقه‌اند، یعنی اگر

۱. طرح کیش و مات؛ گروه برنامه‌ریزی راهبردی امریکا در دهه ۱۹۷۰ برای مقابله با شوروی سابق در سال ۱۹۸۰ منحل شد. اما در سال ۱۹۹۱ مأموریت طرح حمله هوایی به عراق به آن گروه محول شد. این گروه، به گزارش ساندری تایمز، به رهبری سرتیپ لاورنس استوتزیم برای طرح حمله احتمالی به ایران مخفیانه تشکیل شده و در کنار برنامه‌ریزان مرکز فرماندهی امریکا (سنت کام) فعالیت می‌کند که از دو سال گذشته به تدوین برنامه‌ریزی جامع برای حمله به ایران اقدام کرده است.

کشور هدف امریکا خطری برای منافعشان باشد، آنان حمایت خود از امریکا را افزایش می‌دهند و چه بسا در قالب مداخله مستقیم در ائتلاف و حضور در جنگ حاضر شوند. از این روی، امکان تشکیل ائتلاف منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران - ممکن است دولت‌های منطقه به سبب ترس از تبعات و پیامدهای نظامی و امنیتی آن یا بی‌اعتمادی به توانایی امریکا در تغییر رژیم در ایران آشکار صورت نگیرد - اما با قطعی شدن حمله به ایران، حضور آنان در ائتلافی منطقه‌ای علیه ایران کاملاً محتمل است: مثلاً، تشکیل ائتلاف امنیتی منطقه‌ای در اسلام‌آباد علیه ایران (که با حضور دولت‌های مهم منطقه مانند عربستان، مصر، ترکیه، پاکستان، و اردن و دولت‌های فرامنطقه‌ای اندونزی و مالزی صورت گرفت) یا تهدیدهای مستمر برخی دولت‌های عربی.

۵. سیر ائتلاف‌سازی‌های گذشته نشان می‌دهد که امریکا - با وجود نداشتن مجوز از شورای امنیت سازمان ملل یا حتی ترس از گسترش جهانی دامنه مخالفت‌های مردمی با جنگی دیگر در خاور میانه - می‌تواند با اعطای مشوق‌ها و انگیزه‌های سیاسی، اقتصادی، و امنیتی به بسیاری از کشورهای اروپای شرقی، آسیای شرقی، افریقایی، و امریکای لاتین آنان را در فهرست ائتلاف جدیدی قرار دهد.

۶. پیشینه تاریخی اعضای ائتلاف‌های گذشته نشان می‌دهد هرگاه هر گونه ائتلاف جدید به رهبری امریکا صورت گیرد، کشورهای انگلستان، استرالیا، لهستان، ژاپن، کره جنوبی، دانمارک، و رژیم صهیونیستی مسلماً در ائتلاف حضور خواهند داشت. از سوی دیگر ممکن است کشورهای اروپایی دیگری مانند اسپانیا - که به سبب حضور در جنگ عراق با تغییر دولت‌های حاکم و چرخش از نگرش همراهی با امریکا به واگرایی از آن در روابط روی آورده‌اند - یا روسیه و چین (که با امریکا در رقابت استراتژیک‌اند) در ائتلاف شرکت نخواهند کرد.

۴-۱ ارزیابی نهایی: ایران و راهبرد ائتلاف‌سازی امریکا

تغییر نظام بین‌الملل پس از پایان جنگ سرد و تحولات امنیتی منطقه خاور میانه و تسلط نگرش نئومحافظه‌کاران در سیاست خارجی امریکا بستر تشکیل ائتلاف‌های نظامی به رهبری

ایالات متحده را به وجود آورد. این تحت تأثیر حادثه یازدهم سپتامبر و یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در استقرار نظم تازه تک‌قطبی امریکایی تشدید شد، و در قالب دفاع پیش‌دستانه و ائتلاف علیه تروریسم، حمله نظامی به دو کشور افغانستان و عراق را در چارچوب راهبرد ائتلاف‌سازی جهانی توجیه کرد و، با پایان جنگ و دستیابی نسبی به ائتلاف اهداف خود، ائتلاف‌سازی جدیدی را در دستور کار سیاست خارجی آمریکا قرار داد. در این میان، ائتلاف‌سازی علیه ایران از زمان پایان جنگ در افغانستان آغاز شد و با حمله به عراق و تحولات سیاسی-امنیتی در این کشور و در سطح منطقه تشدید شد و به شکست ائتلاف و ناکامی راهبرد خاورمیانه بزرگ و جدید آمریکا و افزایش قدرت نرم ایران در منطقه انجامید. از سوی دیگر، تغییر سیاست خارجی ایران از مداخلات، همراهی، و تنش‌زدایی با آمریکا به سمت فعال شدن و تقابل استراتژیک و ایدئولوژیک با آن سبب شد سیاست‌گذاران خارجی آمریکا بر رویکرد تغییر رژیم و ضرورت تشکیل ائتلافی علیه ایران تأکید کند. بر این اساس، تاکنون همواره طرح‌هایی مانند ایجاد ائتلافی منطقه‌ای یا فرمانطقه‌ای یا حتی حمله یکجانبه آمریکا به ایران طراحی و اعلام شده است. از این رو، جمهوری اسلامی ایران باید برای مقابله با راهبرد ائتلاف‌سازی آمریکا علیه منافع ملی ایران سیاست‌های اجرایی پیشنهادی زیر را در دستور کار خود قرار دهد:

۱. ایران باید با اعمال دیپلماسی فعال خارجی از ایجاد هر گونه اجماعی در ضرورت مقابله با ایران در سطح کشورهای منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای جلوگیری کند. ایران نباید هیچ گونه توجیهی را برای مداخله نظامی آمریکا یا ائتلاف احتمالی علیه ایران به وجود آورد.
۲. ایران با تعامل مثبت با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شفاف‌سازی در مورد پرونده هسته‌ای باید ادعای تلاش ایران در دستیابی و تکثیر سلاح‌های هسته‌ای یا اجماع اعضای شورای امنیت علیه ایران را باطل کند.
۳. با افزایش ظرفیت دیپلماسی تنش‌زدایی در سطح منطقه و کاهش نگرانی‌های دولت‌های عرب سنی از آینده عراق یا تهدید شیعیان در منطقه، ایران باید از ایجاد ائتلاف منطقه‌ای

علیه ایران جلوگیری کند. ایران باید، علاوه بر به‌کارگیری ابزارهای نرم در دیپلماسی خارجی خاور میانه‌ای خود، پیامدهای شدید منطقه‌ای هر گونه ائتلاف‌سازی یا همراهی با آمریکا علیه ایران را به دولت‌های منطقه گوشزد کند.

۴. ایران باید با همکاری با دولت عراق و افغانستان و همکاری مثبت برای ایجاد امنیت در این کشورها نادرستی ادعای مداخله نظامی و سیاسی ایران در امور داخلی این کشورها را به اثبات برساند. مقامات ایرانی باید همزمان با تکرار ادعای آمریکا در مورد مداخله ایران در عراق یا افغانستان از مقامات رسمی این دو کشور بخواهد ادعای دخالت ایران در این کشورها را باز تکذیب کنند و با تنظیم دیدارهای رسمی و دیپلماتیک و تأکید بر روابط دوستانه و همگرا در تحولات منطقه جنگ روانی آمریکا را پاسخ دهد.

۵. ایران باید هر گونه ارتباط با القاعده و گروه‌های تروریستی را به شدت تکذیب کند و با ارائه شواهدی از آسیب‌های اجتماعی- سیاسی و امنیتی ایران از فعالیت‌های القاعده، مجاهدین خلق، پژاک و ... بر همکاری آمریکا با این تروریست‌ها تأکید کند.

۶. اگرچه ائتلاف اراده‌ها با افزایش بی‌ثباتی و هرج و مرج در عراق و خروج نظامیان بسیاری از کشورها از آن و افزایش فشارهای سیاسی بر آمریکا و اعضای باقیمانده در ائتلاف تضعیف شده است، امکان ایجاد ائتلاف جدیدی از دولت‌های هم‌سود آمریکا وجود دارد، از این رو باید پیامدهای احتمالی حمله به ایران را در رسانه‌های جمعی بین‌المللی بزرگنمایی شود و با همکاری با قدرت‌های بزرگی مانند چین، روسیه و ... ائتلاف مخالفی را علیه ائتلاف آمریکا به وجود آورد.

۷. جمهوری اسلامی ایران با افزایش احتمال حمله آمریکا باید استراتژی دفاع در نبرد نامتقارن را در دستور کار خود قرار دهد و احتمال سرایت بحران به دیگر مناطق را به نیروهای ائتلاف گوشزد کند.

۸. ارائه پیشنهادهایی مانند همبستگی برای صلح باید در دستور کار سیاست‌های اعلامی ایران قرار گیرد تا از این طریق با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا یا تشکیل ائتلافی علیه ایران مقابله شود.

۹. جمهوری اسلامی ایران باید با افزایش تعاملات سیاسی-اقتصادی با کشورهایی که احتمالاً ممکن است در ائتلاف علیه ایران شرکت کنند سعی کند لایه‌های دوم ائتلاف احتمالی علیه ایران را تضعیف کند.

۱۰. مسئولان مذاکرات ایران و امریکا باید در مذاکرات سرّی دو طرف صریح و آشکار امریکا را از تهدید علیه همه منافعش در منطقه - که ممکن است افزایش تلفات نظامیان امریکا در عراق، حمله به پایگاه‌های نظامی امریکا در منطقه، ناآرامی در سرزمین‌های اشغالی فلسطین، و تهدید امنیت ملی رژیم صهیونیستی را دربرگیرد - آگاه کنند و نمونه‌هایی از واکنش‌های پیش‌بینی‌ناپذیری را برشمرند که ایران طراحی و آماده اجرا کرده است.

۱۱. جمهوری اسلامی ایران باید با شرکت بیشتر و فعال‌تر در سازمان‌ها و پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، با شفاف‌سازی ابعاد مختلف سیاست خارجی ایران، از تقابل دولت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای علیه ایران جلوگیری کند.

۱۲. تصمیم‌گیران سیاست خارجی ایران باید به سناریوسازی در طرح‌های احتمالی حمله یکجانبه امریکا، یا نیروهای ائتلاف یا رژیم صهیونیستی علیه ایران و به‌ویژه علیه تأسیسات هسته‌ای و مراکز مهم نظامی ایران پردازند و با تدبیر و بر اساس آینده‌پژوهی در سیاست خارجی، به تدوین راهبرد دفاعی و پاسخ متناسب و منطقی ایران علیه این حملات احتمالی پردازد. مراکز پژوهشی در این موارد باید، بر اساس الگوهای شبیه‌سازی در سیاست خارجی، شرایط ایران را در صورت حمله احتمالی بررسی کنند و بهترین گزینه‌های موجود را در اختیار سیاستگذاران قرار دهند.

۱۳. جمهوری اسلامی ایران باید با افزایش توان کشور در چهار سطح، که در پی خواهد آمد، احتمال حمله یا هزینه‌های احتمالی جنگ برای ایران را کاهش دهد:

الف) سطح اقتصادی: ایران باید با ایجاد وابستگی متقابل با کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و اجرای طرح‌هایی مانند انتقال خطوط نفت و گاز، هزینه‌های حضور این کشورها در جنگ را افزایش دهد و انگیزه‌های مادی آنان را در محاسبه هزینه و سود زیان حضور در ائتلاف به سود خود تغییر دهد.

(ب) **سطح سیاسی:** جمهوری اسلامی ایران باید با افزایش توان دیپلماسی رسمی کشور — به‌ویژه در تعامل با قدرت‌های مهم منطقه‌ای مانند عربستان و مصر — از همراهی آنان با ائتلاف جلوگیری کند و از طریق تقویت قدرت نرم ایران در تعامل با ملت‌های منطقه بستر اجتماعی هر گونه همکاری دولت‌های منطقه با امریکا را مسدود کند.

(ج) **سطح نظامی:** ایران باید با تقویت قدرت نظامی کشور، به‌ویژه در حوزه‌های فناوری و اطلاعاتی، آمادگی خود را برای جنگ سایبری با امریکا افزایش دهد. علاوه بر این، قدرت نظامی ایران به‌ویژه در حوزه موشک‌های تهاجمی و دفاعی رادارگریز باید با رسیدن به آستانه حمله امریکا برای منصرف کردن ائتلاف فعال شود.

(د) **سطح اجتماعی:** سیاستگذاران ایران باید در کنار افزایش بسیج ملی در داخل کشور و بهبود وضعیت رفاهی و اجتماعی مردم زمینه‌های روحی و روانی جنگ احتمالی را در جامعه آماده کنند. با وجود این، آنان باید از انتقال بار روانی بحران در سیاست خارجی به مردم اجتناب کنند.

پیوست‌ها

جدول ۱ نوع و میزان کشورهای مشارکت‌حاضر در هر سه ائتلاف امریکا پس از جنگ سرد*

نام کشور	ائتلاف عراق (۱۹۹۰)	ائتلاف افغانستان (۲۰۰۱)	ائتلاف عراق (۲۰۰۳)
استرالیا	اعزام ۷۰۰ نظامی نیروی زمینی	مشارکت ۳۰۰ نیروی ویژه و کمک‌های فنی	مشارکت ۲,۰۰۰ نیرو در عملیات اولیه
انگلستان	مشارکت ۴۳,۰۰۰ نظامی نیروی هوایی و زمینی	مشارکت نیروهای هوایی، دریایی، و زمینی و هواپیماها و کشتی‌های جنگی	مشارکت ۴۵,۰۰۰ نظامی نیروی هوایی، دریایی، و زمینی در عملیات اولیه
ایالات متحده امریکا	مشارکت ۵۷۵,۰۰۰ نظامی نیروی هوایی، دریایی، و زمینی	مشارکت ۷,۰۰۰ نظامی نیروی هوایی، دریایی، و زمینی	مشارکت ۲۵۰,۰۰۰ نظامی نیروی هوایی، دریایی و زمینی در عملیات اولیه
ایتالیا	اعزام ۱۲۰۰ نظامی نیروی زمینی و هوایی	حمایت کشتی‌های نیروی دریایی ایتالیا از عملیات در شمال دریای عرب و اعزام ۴۳ نفر در قالب گروه مهندسی	اعزام حداکثر ۳,۲۰۰ نظامی پس از اشغال عراق
ترکیه	آماده‌باش ۵۰,۰۰۰ نیروی نظامی در محافظت از مرزهای عراق و ترکیه	اجازه استفاده از فضای هوایی و کمک در سوخت‌گیری مجدد هواپیماهای ائتلاف	اعزام ۱۰,۰۰۰ نیروی حافظ صلح پس از اشغال عراق
چک + اسلواکی	اعزام ۲۰۰ نظامی برای حضور در جنگ	حمایت مادی و ارتباطی از ائتلاف	چک: اعزام حداکثر ۳۰۰ نظامی به جنگ اسلواکی: مشارکت ۱۱۰ نظامی در جنگ
دانمارک	نظارت بر آب‌های سواحل کویت به‌ویژه در مسئله قاچاق و تجارت و اعزام ۱۰۰ نظامی	کمک به سوخت‌گیری مجدد هواپیماهای ائتلاف و اعزام ۶ هواپیمای F16 و برخی از نیروهای ویژه دانمارک	مشارکت ۳۰۰ نیروی نظامی در عملیات اولیه

جدول ۱ نوع و میزان کشورهای مشارکت‌حاضر در هر سه ائتلاف امریکا پس از جنگ سرد*

نام کشور	ائتلاف عراق (۱۹۹۰)	ائتلاف افغانستان (۲۰۰۱)	ائتلاف عراق (۲۰۰۳)
رژیم صهیونیستی**	حمایت‌های فنی و تسلیحاتی پنهانی	حمایت‌های فنی و تسلیحاتی پنهانی	حمایت‌های فنی و تسلیحاتی پنهانی
ژاپن	ایجاد ایستگاه‌های سوخت‌گیری در دریای عرب	حمایت ناوهای ژاپنی از نیروهای ائتلاف در عملیات‌های غیرنظامی	اعزام ۶۰۰ نظامی پس از اشغال عراق
کویت	مشارکت ۹۹۰۰ نیروی نظامی در جنگ	اجازه استفاده از پایگاه‌ها و فضای کشور به نیروهای ائتلاف	اجازه استفاده از پایگاه‌های امریکایی کویت
لهستان	مشارکت واحد ویژه عملیاتی لهستان و مشارکت ۲۰۰ نظامی در جنگ	حمایت‌های تدارکاتی و مهندسی	اعزام ۲۵۰۰ نظامی پس از اشغال عراق
هلند	اعزام ۶۰۰ نیروی نظامی	کمک در سوخت‌گیری هواپیماهای ائتلاف و همکاری نیروی دریایی هلند در چند عملیات	اعزام ۱,۳۴۵ نظامی پس از اشغال عراق
یونان	اجازه استفاده از فرودگاه‌ها و فضای کشور به نیروهای ائتلاف و اعزام ۲۰۰ نظامی	اعزام کشتی‌های نیروی دریایی در خلال سال ۲۰۰۲ و فضای کشور	اجازه استفاده از فرودگاه‌ها

* این جدول بر اساس بررسی اطلاعات منابع مختلفی مانند کاخ سفید، شورای روابط خارجی، یا دایرةالمعارف‌هایی مانند ویکی‌پدیا و مقالات متعدد دیگر تهیه شده است. آمارها و نوع و میزان مشارکت این کشورها در ائتلاف‌های سه‌گانه در منابع مختلف تفاوت دارند.

** رژیم صهیونیستی، علی‌رغم همکاری در هر سه ائتلاف امریکا، بر اساس منابع اطلاعاتی این مقاله جزو اعضای ائتلاف شمرده نشده است.

جدول ۲ نوع و میزان مشارکت کشورهای اروپایی در حداقل یکی از سه ائتلاف امریکا

نام کشور	ائتلاف عراق (۱۹۹۰)	ائتلاف افغانستان (۲۰۰۱)	ائتلاف عراق (۲۰۰۳)
آلبانی	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضا، بنادر، و فرودگاه‌ها	اعزام ۱۲۰ نظامی پس از اشغال عراق
آلمان	حمایت مالی و اختصاصی سخت‌افزاری نظامی بدون حضور مستقیم در جنگ	اعزام ۲,۵۶۰ نظامی در جنگ و ۳ ناو محافظ	شرکت نداشت
اسپانیا	مشارکت ۵۰۰ نظامی در جنگ	شرکت نداشت	اعزام ۱,۳۰۰ نظامی پس از اشغال عراق
استونی	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضا و حمایت تدارکاتی و اعزام ۸۰۰ نظامی	اعزام ۳۵ نظامی پس از اشغال عراق
اوکراین	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضا و پایگاه هوایی	شرکت نداشت
ایسلند	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام دو نظامی پس از اشغال عراق
بلژیک	اعزام ۴۰۰ نظامی به جنگ	کمک محدود نیروی هوایی بلژیک در چند عملیات	شرکت نداشت
بلغارستان	اجازه استفاده از فضای هوایی به ائتلاف	شرکت نداشت	کمک‌های محدود با اعزام گروه‌های معدودی پس از جنگ
بوسنی و هرزگوین	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام ۳۶ نظامی پس از اشغال عراق
پرتغال	شرکت نداشت	حضور محدود در عملیات‌هایی در سال ۲۰۰۷	اعزام ۱۲۸ نظامی پس از اشغال عراق
رومانی	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضا و پایگاه هوایی به ائتلاف و اعزام محدود نیروهای تخصصی	اعزام حداکثر ۷۳۰ نظامی پس از اشغال عراق

جدول ۲ نوع و میزان مشارکت کشورهای اروپایی در حداقل یکی از سه ائتلاف امریکا

نام کشور	ائتلاف عراق (۱۹۹۰)	ائتلاف افغانستان (۲۰۰۱)	ائتلاف عراق (۲۰۰۳)
فرانسه	اعزام ۱۴,۶۶۳ نفر نظامی در جنگ	مشارکت ۴,۰۰۰ نیروی نظامی در جنگ	شرکت نداشت
قبرس	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضا و بنادر	شرکت نداشت
لتونی	شرکت نداشت	حمایت تدارکاتی از ائتلاف	اعزام حداکثر ۱۳۶ نظامی پس از اشغال عراق
لیتوانی	شرکت نداشت	اعزام ۴۰ نیروی ویژه در خلال سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴	اعزام حداکثر ۱۲۰ نظامی پس از اشغال عراق
مجارستان	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام ۳۰۰ نظامی پس از اشغال عراق
مقدونیه	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام ۳۳ نظامی پس از اشغال عراق
مولداوی	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام ۲۴ نظامی پس از اشغال عراق
نروژ	نظارت بر آب‌های ساحلی کویت در مسئله تجارت و قاچاق	اعزام ۶ هواپیمای F16 و گروه‌های تدارکاتی و مین‌یاب	اعزام ۱۵۰ نظامی پس از اشغال عراق
نیوزلند	حمایت و کمک‌های محدود در جنگ	کمک محدود نیروی هوایی و اعزام سربازان تخصصی	شرکت نداشت

جدول ۳ نوع و میزان مشارکت کشورهای آسیایی در حداقل یکی از سه ائتلاف امریکا

نام کشور	ائتلاف عراق (۱۹۹۰)	ائتلاف افغانستان (۲۰۰۱)	ائتلاف عراق (۲۰۰۳)
آذربایجان	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام ۲۵۰ نظامی پس از اشغال عراق
اردن	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضای هوایی و ارسال گروه مین‌یاب	شرکت نداشت

جدول ۳ نوع و میزان مشارکت کشورهای آسیایی در حداقل یکی از سه ائتلاف امریکا

نام کشور	ائتلاف عراق (۱۹۹۰)	ائتلاف افغانستان (۲۰۰۱)	ائتلاف عراق (۲۰۰۳)
ارمنستان	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضای هوایی	اعزام ۴۶ نظامی پس از اشغال عراق
ازبکستان	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضا و کمک‌های محدود
افغانستان	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعلام حمایت سیاسی
امارات متحده عربی	اعزام ۴,۳۰۰ نظامی به جنگ	اعزام ۳ نیروی امنیتی	شرکت نداشت
بحرین	حضور ۴۰۰ نظامی در جنگ	اعزام کشتی‌های نیروی دریایی در خلال سال ۲۰۰۲	شرکت نداشت
بنگلادش	اعزام ۲,۲۰۰ نظامی به جنگ	اجازه استفاده از فضا، بنادر، و ایستگاه‌های سوختگیری مجدد	شرکت نداشت
پاکستان	مشارکت ۵,۵۰۰ نظامی در جنگ	بازگشایی مرزها برای ورود مهاجران و پناهندگان افغانی و اختصاص ۳ پایگاه هوایی برای حمله به افغانستان	شرکت نداشت
تاجیکستان	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضا و پایگاه هوایی و کمک بشردوستانه	شرکت نداشت
تایلند	شرکت نداشت	حمایت تدارکاتی و ایجاد ایستگاه‌های سوختگیری	شرکت نداشت
ترکمنستان	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضای هوایی	شرکت نداشت
روسیه	شرکت نداشت	کمک‌های پزشکی به ائتلاف و غیرنظامیان	شرکت نداشت
سنگاپور	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام ۱۹۲ نظامی پس از اشغال عراق
سوریه	اعزام ۱۴,۵۰۰ نظامی به جنگ	شرکت نداشت	شرکت نداشت

جدول ۳ نوع و میزان مشارکت کشورهای آسیایی در حداقل یکی از سه ائتلاف امریکا

نام کشور	ائتلاف عراق (۱۹۹۰)	ائتلاف افغانستان (۲۰۰۱)	ائتلاف عراق (۲۰۰۳)
عربستان	مشارکت ۵۲ تا ۱۰۰ هزار نظامی در آزادسازی کویت	شرکت نداشت	شرکت نداشت
عمان	اعزام ۶۳۰۰ نیروی نظامی به جنگ	اجازه استفاده از فضا و پایگاه‌های هوایی	شرکت نداشت
فیلیپین	شرکت نداشت	حمایت پزشکی و تدارکاتی	اعزام ۵۱ نظامی پس از اشغال عراق
قرقیزستان	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضا و پایگاه هوایی	شرکت نداشت
قطر	حضور ۲۶۰۰ نیروی نظامی در برخی عملیات‌ها	اجازه استفاده از پایگاه‌های هوایی	شرکت نداشت
کره جنوبی	شرکت نداشت	حمایت تدارکاتی و پزشکی	اعزام حداکثر ۱,۲۰۰ نظامی پس از اشغال عراق
گرجستان	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام ۵۰۰ نظامی پس از اشغال عراق
مالزی	شرکت نداشت	اجازه استفاده از فضا و حمایت تدارکاتی	شرکت نداشت
مصر	اعزام ۳۵,۰۰۰ نظامی به جنگ	اجازه استفاده از فضای هوایی	شرکت نداشت
مغولستان	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام حداکثر ۱۸۰ نظامی به عراق پس از اشغال
هند	ایجاد ایستگاه‌های سوخت‌گیری مجدد در دریای عرب	بازگشایی بنادر هند برای کشتی‌های جنگی ائتلاف	شرکت نداشت

جدول ۴ نوع و میزان مشارکت کشورهای امریکایی در حداقل یکی از سه ائتلاف

نام کشور	ائتلاف عراق (۱۹۹۰)	ائتلاف افغانستان (۲۰۰۱)	ائتلاف عراق (۲۰۰۳)
آرژانتین	ارسال کشتی‌هایی برای نظارت بر آب‌های ساحلی کویت در مورد قاچاق و تجارت و اعزام ۳۰۰ نظامی	شرکت نداشت	شرکت نداشت
پاناما	شرکت نداشت	شرکت نداشت	کمک‌های محدود و اعلام حمایت سیاسی
دومینیک	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام ۳۰۲ نظامی پس از اشغال عراق
السالوادور	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام حداکثر ۱۱۰ نظامی پس از اشغال عراق
کاستاریکا	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعلام حمایت سیاسی و کمک‌های محدود
کانادا	اعزام ۲۰۰۰ نظامی به جنگ	اعزام ۲,۰۲۵ نظامی نیروی هوایی، زمینی و دریایی	شرکت نداشت
کلمبیا	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعلام حمایت سیاسی
نیکاراگوئه	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعزام ۲۳۰ نظامی پس از اشغال عراق
هندوراس	اعزام ۱۵۰ نظامی به جنگ	شرکت نداشت	مشارکت ۳۶۸ نظامی پس از اشغال عراق

جدول ۵ نوع و میزان مشارکت کشورهای افریقایی در حداقل یکی از سه ائتلاف امریکا

نام کشور	ائتلاف عراق (۱۹۹۰)	ائتلاف افغانستان (۲۰۰۱)	ائتلاف عراق (۲۰۰۳)
اتیوپی	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعلام حمایت سیاسی
اریتره	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعلام حمایت سیاسی
اوگاندا	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعلام حمایت سیاسی
رواندا	شرکت نداشت	شرکت نداشت	اعلام حمایت سیاسی

جدول ۵ نوع و میزان مشارکت کشورهای افریقایی در حداقل یکی از سه ائتلاف امریکا

نام کشور	ائتلاف عراق (۱۹۹۰)	ائتلاف افغانستان (۲۰۰۱)	ائتلاف عراق (۲۰۰۳)
سنگال	مشارکت ۵۰۰ نظامی در جنگ	شرکت نداشت	شرکت نداشت
سودان	شرکت نداشت	حمایت تدارکاتی از ائتلاف	شرکت نداشت
کنگو	شرکت نداشت	حمایت تدارکاتی از ائتلاف	شرکت نداشت
مغرب	مشارکت ۱۳,۰۰۰ نظامی در جنگ	شرکت نداشت	شرکت نداشت
نیجریه	اعزام ۶۰۰ سرباز به جنگ	شرکت نداشت	شرکت نداشت



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- بیلیس، جان و استیو اسمیت (۱۳۸۱)، *جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر.
- دعویسرا، سلیمان (۸ اسفند ۱۳۸۵)، «آخرین هم‌زمان بوش»، *روزنامه ایران*.
- هالستی، کی. جی (۱۳۸۰)، *مبانی تحلیل سیاست بین الملل*، ترجمه بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چ ۳.
- Anderson, Sarah (2003), "Coalition of the Willings or Coalition of the Coerced?", Part II, Institute for Policy Studies.
- Balz, Dan and Allen Mike (2003), "U.S Names 30 Countries Supporting War Effort". *Washington Post*.
- Bard, Mitchell, "The Gulf War", Jewish Virtual Library, www.jewish-virtual-library.org/source/History/Gulf-war.html.
- Beehner, Lionel (2007), "The Coalition of Willings", Council on Foreign Affairs.
- Causidis, Skopje, "Macedonia Looks to U.S. to Learn on Greece", Institute for War and Peace Reporting, <http://www.iwpr.net>.
- Foley, Gerry (2004), "Fall of Pro-War Government in Spain Rattles the Foundations of Bush's Coalition", *Socialist Action Newspaper*.
- "Gulf War", <http://en.wikipedia.org/wiki/Gulf-War#Coalition-involvement>.
- Huntington, Samuel (1999), *The Clash of civilizations?* Foreign Affairs.
- Lorenz, Jesse, "The Coalition of Willings", <http://www.stanford.edu/Clash/ez977a>.
- "Multinational forces in Iraq", http://en.wikipedia.org/wiki/multinational_force_in_Iraq.
- "Operation Enduring Freedom-Afghanistan: Allies", http://en.wikipedia.org/wiki/Operation_Enduring-Freedom-Afghanistan:Allies.
- "Operation Iraqi Freedom", The White House, http://www.whitehouse.gov/news/releases/2003/03/2003327_10.html.
- Pasicolan, Paolo and Sattelerlee Carrie (2003), "Coalition of Willings" Already Larger than the 1991 Gulf War, Coalition, <http://www.heritage.org>.
- "Realism bifurcated: offensive and defensive realism", [www.acadis.uiuc.edu/Research/ops/Heller/Contents/part one.html](http://www.acadis.uiuc.edu/Research/ops/Heller/Contents/part%20one.html).
- Weisman, Jonathan (2003), "War Will Be Mostly on American Effort", *Washington Post*.